

المقصد الثالث: في خصال الكفارة

سوم: خصوصيات كفارها

وهي: العتق، والإطعام، والصيام.

که شامل آزاد کردن بنده، اطعام کردن، و روزه می باشد.

القول في العتق

آزاد کردن بنده

ويتعين على الواجد في الكفارة المرتبة، وكفارة الجمع. ويتحقق الوجدان بملك الرقبة، أو ملك الثمن مع إمكان الابتياح. فإن لم يجد انتقل إلى ما بعدها في المرتبة، وفي الجمع يدفع ثمن الرقبة - إن كان يملكه - للإمام، وللإمام تقدير الثمن وإسقاطه أو بعضه.

آزاد کردن بنده در كفارة ترتیبی و كفارة جمع بر کسی که توانایی آن را داشته باشد واجب می شود؛ و توانایی به این معنا است که یا بنده را در اختیار داشته باشد و یا مبلغ آن را داشته و خرید آن نیز امکان پذیر باشد. اگر توانایی آن را نداشت، در كفارة ترتیبی باید به مورد بعدی عمل کند و در كفارة جمع باید قیمت آن را (اگر آن مقدار را داشته باشد) بپردازد، و مشخص کردن قیمت بنده و بخشیدن تمام یا قسمتی از مبلغ آن در اختیار امام است.

القول في الصيام

روزه كفاره

ويتعين الصيام في المرتبة مع العجز عن العتق. ويتحقق العجز: إما بعدم الرقبة، أو عدم ثمنها، وإما بعدم التمكن من شرائها وإن وجد الثمن. ولا يباع المسكن، ولا ثياب الجسد. ويبيع ما يفضل عن قدر الحاجة من المسكن.

در كفارة ترتیبی اگر شخص توانایی آزاد کردن بنده را نداشته باشد، روزه واجب می شود. ناتوانی در آزاد کردن بنده یا به دلیل نبودن بنده است و یا نداشتن مبلغ آن و یا اینکه امکان خریدن آن وجود نداشته نباشد (گرچه مبلغ آن

موجود باشد). محل سکونت و لباسی که جسم را می پوشاند (برای پرداخت کفاره) فروخته نمی شود؛ ولی آن مقدار از محل سکونت که بیش از حد نیاز است فروخته می شود.

وَيُسْتَعْنَى عَنِ الْخَادِمِ عَلَى الْمَرْتَفَعِ عَنْ مَبَاشَرَةِ الْخِدْمَةِ، إِلَّا مَعَ الْمَرَضِ الْمَحْجُوجِ إِلَى الْخِدْمَةِ. وَلَوْ كَانَ الْخَادِمُ غَالِيًا بَحِيثًا يَتِمَكَّنُ مِنَ الْاسْتِبْدَالِ مِنْهُ بِبَعْضِ ثَمَنِهِ يَلْزَمُ تَبْدِيلَهُ؛ لِإِمْكَانِ الْغِنَاءِ عَنْهُ. وَكَذَا الْمَسْكَنُ إِذَا كَانَ غَالِيًا وَأَمْكَانُ تَحْصِيلِ الْبَدْلِ بِبَعْضِ الثَّمَنِ.

اگر بدون خدمتکار بتواند زندگی کند به آن نیازی ندارد (و می تواند برای پرداخت کفاره او را بفروشد) مگر با وجود نوعی بیماری که نیاز به خدمتکار دارد، و اگر خدمتکارش گران بها باشد به گونه ای که با مقداری از قیمت آن بتواند خدمتکار دیگری که نیازش را برطرف می کند بخرد، باید چنین کند، زیرا از او بی نیاز می باشد. به همین ترتیب در مورد محل سکونت، اگر گران باشد و با قسمتی از قیمت آن بتواند خانه ای دیگر که نیازش را برطرف می کند تهیه نماید، باید این کار را انجام دهد.

ومع تحقق العجز عن العتق يلزم في الظهار والقتل خطأ صيام شهرين متتابعين. وعلى المملوك صيام شهر، فإن أفطر في الشهر الأول من غير عذر استأنف، وإن كان لعذر بنى. وإن صام من الثاني ولو يوماً أتم، ولا يأتّم مع الإفطار.

در ظهار و قتل غیر عمد، اگر نتواند بنده آزاد کند باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد و بر غلام یا کنیز واجب است یک ماه روزه بگیرد و اگر در ماه اول بدون عذر روزه را باطل کند، از اول شروع می کند، و اگر عذر داشته باشد ادامه می دهد. اگر از ماه دوم تنها یک روز را روزه بگیرد، دیگر لازم نیست بقیه روزها را پشت سر هم بگیرد، و با ادامه ندادن (پیاپی) گناه نکرده است.

والعذر الذي يصح معه البناء: الحيض، والنفاس، والمرض، والإغماء، والجنون. أما السفر، فإن اضطر إليه كان عذراً، وإلا كان قاطعاً للتتابع. ولو أفطرت الحامل أو المرضع خوفاً على أنفسهما لم ينقطع التتابع، وكذا لو أفطرتا خوفاً على الولد لا ينقطع.

عذرهایی که با وجود آنها می تواند بین روزه های ماه اول فاصله بیندازد عبارتند از: حیض، نفاس، بیماری، بیهوشی و دیوانگی.

اما در مورد سفر، اگر مجبور به آن شده باشد عذر محسوب می شود، وگرنه (بدون اجبار) پیاپی بودن روزه ها قطع می شود (و باید از اول شروع کند).

اگر زن حامله یا شیرده از ترس بر جان خود یا فرزندش روزه نگیرد، پیاپی بودن روزه ها به هم نمی خورد (و بعد از برطرف شدن عذر ادامه می دهد).

ولو أكره على الإفطار لم ينقطع التتابع، سواء كان إجباراً كمن وجر الماء في حلقه، أو لم يكن كمن ضرب حتى أكل. ولو عرض في أثناء الشهر الأول زمان لا يصح صيامه عن الكفارة كشهري رمضان والأضحى، بطل التتابع.

اگر فردی مجبور به شکستن روزه شود بیای پی بودن روزه‌ها به هم نمی‌خورد، چه مانند کسی باشد که آب در حلقش می‌ریزند یا مانند کسی باشد که او را می‌زنند تا بخورد. اگر در بین ماه اول به زمانی برخورد کند که روزه کفاره گرفتن در آن صحیح نیست (مانند ماه رمضان یا عید قربان) بیای پی بودن روزه‌ها به هم می‌خورد.

القول في الإطعام

اطعام

ويتعين الإطعام في المرتبة مع العجز عن الصيام. ويجب إطعام العدد المعتبر لكل واحد مد، والأفضل مدان. ولا يجزي إعطاء ما دون العدد المعتبر وإن كان بقدر إطعام العدد. ولا يجوز التكرار عليهم من الكفارة الواحدة مع التمكن من العدد، ويجوز مع التعذر.

در کفاره ترتیبی اگر نتواند روزه بگیرد اطعام واجب می‌شود، و باید آن تعداد فقیری که لازم است را با دادن یک مد طعام غذا دهد، و بهتر است به هر کدام دو مد طعام بدهد. اگر کمتر از آن تعداد فقیری که لازم است را اطعام کند، کفایت نمی‌کند، حتی اگر مقدار غذایی که به آنان داده است به همان میزان (یا بیشتر) باشد.^(۱) اگر بتواند به آن تعداد لازم فقیر غذا بدهد غذا دادن به تعداد بیشتر به یک فقیر در یک کفاره جایز نیست،^(۲) ولی با وجود عذر جایز است.

ويجب أن يطعم من أوسط ما يطعم أهله. ولو أعطى مما يغلب على قوت البلد جاز. ويستحب أن يضم إليه أداماً، أعلاه اللحم، وأوسطه الخل، وأدونه الملح. ويجوز أن يعطي العدد متفرقين ومجتمعين، إطعاماً وتسليماً. ويجزي إخراج الحنطة والشعير والدقيق والخبز. ولا يجزي إطعام الصغار منفردين، ويجوز منضمين. ولو انفردوا احتسب الاثنان بواحد. ويستحب الاقتصار على إطعام المؤمنين ومن هو بحكمهم كالأطفال.

واجب است فقرا را با حد وسط آن غذایی که به خانواده‌اش می‌دهد اطعام کند، و جایز است با چیزی که غذای معمول اهل شهر است اطعام کند.

1- مثلاً اگر شصت مد طعام را به پنجاه فقیر بدهد کفایت نمی‌کند. (مترجم)

2- مثلاً اگر بتواند به شصت فقیر در شهر غذا بدهد باید چنین کند و نمی‌تواند به یک فقیر شصت مد طعام بدهد؛ ولی اگر به آن تعداد فقیر موجود نباشد یا با آنها دسترسی نداشته باشد جایز است به تعداد کمتری از فقرا آن شصت مد طعام را بدهد. (مترجم)

مستحب است که به آن خورش نیز اضافه کند - که بهترین آن گوشت و حد متوسط آن سرکه و پایین ترین آن نمک است - و جایز است که آن تعداد فقرا را با هم یا جداگانه به صرف غذا دعوت کند و یا غذا را به آنها بدهد. می تواند گندم، جو، آرد یا نان به آنها بدهد. اطعام کردن بچه کوچک به تنهایی کفایت نمی کند،⁽³⁾ ولی اگر همراه با کسی باشد جایز است، و اگر فقط بچه ها باشند هر دو بچه یک نفر به حساب می آید. مستحب است که مؤمنان و کسی که در حکم مؤمن است - مانند فرزندان شان - را اطعام کند.

ويجوز إطعام المسلم الفاسق، ولا يجوز إطعام الكافر، وكذا الناصب العدا (سواء للأئمة أو المهديين أو شيعتهم لأنهم يشايعونهم).

اطعام مسلمان فاسق جایز است، ولی اطعام کافر و ناصبی که با ائمه یا مهدیین یا پیروانشان به جهت یاری آنان دشمنی می ورزد جایز نیست.

مسائل أربع:

مسائل چهارگانه:

الأولى: كفارة اليمين مخيرة بين العتق والإطعام والكسوة. فإذا كسا الفقير يجزي الثوب الواحد مع الاختيار، والأفضل أن يعطيه ثوبين مع القدرة.

اول: كفارة قسم - که بین آزاد کردن بنده یا اطعام یا پوشاندن اختیار دارد - اگر بخواهد فقیر را لباس بیوشاند دادن یک لباس (به اختیار خودش) کافی است، ولی بهتر است که در صورت توان دو لباس بیوشاند.

الثانية: الإطعام في كفارة اليمين مد لكل مسكين ولو كان قادراً على المدین، والأفضل مدان.

دوم: اطعام در كفارة قسم یک مد غذا برای هر فقیر است، اگر بتواند دو مد بدهد، و البته بهتر است دو مد بدهد.

الثالثة: كفارة الإيلاء مثل كفارة اليمين.

سوم: كفارة إيلاء مانند كفارة قسم است.

الرابعة: من ضرب مملوكه فوق الحد استحبه له التكفير بعقده.

چهارم: کسی که بنده اش را بیش از حد بزند مستحب است با آزاد کردنش كفاره بدهد.

3- یعنی یک نفر محسوب نمی شود. (مترجم)

